روزنامه شرق

ورزش

باید بسوزیم و بسازیم، گفت‌وگو با محمدرضا باهنر — صفحه ۸

منتظریم این چند ماه به پایان برسد، گفت‌وگو با جعفر شجونی — صفحه ۸

کلیدی‌ترین بازی برای بارسا، یادداشتی از عادل فردوسی‌پور — صفحه ۱۰

عکس: مهدی حسنی، شرق

نگاهی به فرآیند خصوصی شدن پرطرفدارترین تیم ایران

پرسپولیس به چه کسانی می‌رسد؟

در این روزها بیش از هر مقطع دیگری درباره واگذاری دو باشگاه پرطرفدار پرسپولیس و استقلال به بخش خصوصی صحبت می‌شود.به گفته مسوولان خصوصی‌سازی و باشگاه پرسپولیس قرار است در همین روزها درصدی از سهام این باشگاه در «فرابورس» عرضه شود. این اولین بار نیست که بحث خصوصی شدن پرسپولیس مطرح می‌شود. در این میان سوالات زیادی وجود دارد که قرار است پرسپولیس با چه سازوکاری از حالت دولتی بودن خارج شود. پرسپولیس یک‌بار دیگر قرار است خصوصی شود، اما چگونه، به نام چه کسانی و به کام چه افرادی، هنوز مشخص نیست!

از پرسپولیس تا پیروزی

باشگاه پرسپولیس در بدو تشکیل خود باشگاهی خصوصی بود که پس از انحلال شاهین شکل گرفت. مالک پرسپولیس شرکت سی‌آرسی بود که به دست علی عبده بنیانگذاری شد. پرسپولیس پس از انقلاب «مصادره» شد، اما کشور با توجه به مشکلات آن زمان و سپس شروع جنگ نمی‌توانست تمرکزی روی مسایل فوتبال و باشگاه‌ها داشته باشد. در واقع فوتبال با سرسختی و کرکری‌هایی که میان پرسپولیس و استقلال شکل گرفت، توانست از تعطیل شدن نجات یابد. استقلال همچون شرایط پیش از انقلاب باز هم در وضعیت بهتری بود و حداقل هر بار به سمتی کشیده نمی‌شد تا سازمان یا نهادی به عنوان دایه، مسوولیت اداره آن را به عهده بگیرد. تغییر نام آن از «تاج» به «استقلال» با توجه به جو جامعه انجام شد. اما وضعیت در پرسپولیس متفاوت بود. پرسپولیس در آن سال‌ها چند باری میان بنیاد مستضعفان و سازمان تربیت‌بدنی دست‌به‌دست شد. در تمام آن سال‌ها همواره بحث بر سر تغییر نام پرسپولیس وجود داشت که با مقاومت هواداران روبه‌رو شد، چون بین نام تیم محبوب خود و ارزش‌های انقلاب منافاتی نمی‌دیدند و حدود ۳۰ سال زمان لازم بود تا نام پرسپولیس مورد قبول مسوولان واقع شود. سال ۶۵ بود که نام «پرسپولیس» به «پیروزی» تغییر یافت. ولی همچنان در محافل و بین هواداران این باشگاه پرسپولیس نامیده می‌شد. با روی کارآمدن دولت نهم که محمد علی‌آبادی رییس سازمان تربیت‌بدنی شد تلاش بسیار کرد تا نام «پیروزی» جایگزین «پرسپولیس» شود. در این زمان بود که به رسانه‌ها از جمله رادیو و تلویزیون توصیه شد تا از نام پرسپولیس استفاده نکنند. در همین زمان تردیدهایی مطرح می‌شد که شاید این اصرار تفاهمنامه نانوشته‌ای باشد با کسانی که مدعی بودند، پرسپولیس از آن آنهاست.

بازگشت از پیروزی به پرسپولیس

استفاده دوباره از نام پرسپولیس از همان اواخر دهه ۶۰ آغاز شد. عباس انصاری‌فرد که آن زمان هم در سازمان تربیت‌بدنی مشغول فعالیت بود و هم نماینده سازمان در پرسپولیس به حساب می‌آمد، در این‌باره می‌گوید: «از اواخر سال ۶۸ بود که فکر کردیم فوتبال نمی‌تواند با آن شرایط اداره شود و باید پای بخش خصوصی به میان بیاید. بر همین اساس تصمیم گرفتیم یک شرکت هلدینگ راه‌اندازی کنیم که به بهانه آن نام پرسپولیس هم احیا شود. چون بخش خصوصی می‌توانست از این نام استفاده کند.»

این‌گونه شرکت هلدینگی با نام پرسپولیس ثبت شد که سرمایه‌گذار آن شخصی به نام اسماعیل وفایی بود. قرار بود آنها فعالیت تجاری کنند، هم خود سود ببرند و هم نیاز پرسپولیس برطرف شود. اصلا قرار نبود که ادعای مالکیت پرسپولیس را داشته باشند. ادعای مالکیت پرسپولیس اتفاقی بود که سال‌ها بعد رخ داد، این مساله ناشی از آن بود که مسوولان قراردادهای سفت و محکمی نبستند و تضمین‌های لازم اخذ نشد. طی این سال‌ها و در اواخر دهه ۷۰ بود که یک جدال تمام‌عیار بر سر مالکیت باشگاه پیروزی به راه افتاد. از یک طرف عابدینی و محلوجی بودند و از سوی دیگر سازمان تربیت‌بدنی و حوزه هنری و در نهایت دادگاه رای را به سود سازمان تربیت‌بدنی صادر کرد، غافل از اینکه چند سال بعد شرکت پرسپولیسی پیدا می‌شود که ادعای مالکیت «برند» باشگاه را خواهد داشت. در واقع، آن دعوای حقوقی در مقابل این ادعا، خطر چندانی به حساب نمی‌آمد. این موضوع از دوره اول فعالیت حبیب کاشانی در باشگاه پرسپولیس جدی شد. حسن بیادی، عضو وقت هیات‌مدیره به صورت سربسته و بدون آنکه پیگیر چند و چون ماجرا باشد، با اصرار می‌خواست تیم پرسپولیس، پیروزی خوانده شود، با این توجیه که پرسپولیس از آن فرد دیگری است. اوایل، این موضوع جدی تلقی نشد هرچند همین امر دلخوری‌هایی را برای حبیب کاشانی پیش آورد که ارتباط صمیمی و نزدیکی با بیادی در شورای شهر دوم داشت. در همان زمان باشگاه اقدام به ثبت‌نام شرکت پیروزی (پرسپولیس) در شاخه‌های مختلف کرد با این تصور که راه را بر دیگران ببندد اما این کافی نبود، چون بعدها اسماعیل وفایی با این ادعا جلو آمد که برند پرسپولیس متعلق به اوست و حتی تیم «پیروزی» را تصاحب شده از سوی سازمان تربیت‌بدنی می‌دانست. بعدها حسن بیادی به عضویت هیات‌مدیره همین شرکت درآمد.

تلاش حقوقی برای بازگرداندن نام پرسپولیس

در این زمان بود که فشارهای رسانه‌ای و هواداران برای بازپس‌گیری پرسپولیس افزایش پیدا کرد. این سوال مطرح شد که اگر پرسپولیس به نام مردم و انقلاب مصادره شد، چگونه بدون طی تشریفات و مراحل قانونی به شخص واگذار شده است؟

در نهایت حبیب کاشانی در دوره دوم فعالیت خود در باشگاه پرسپولیس تصمیم گرفت کم‌کاری سازمان تربیت‌بدنی در طول این سال‌ها را جبران کند و شکایتی در دادگاه مطرح شد. بر اساس این شکایت باشگاه پرسپولیس خواهان بازپس‌گیری نام خود بود. در نقطه مقابل اسماعیل وفایی قرار داشت که ادعا می‌کرد با توجه به واگذار شدن پرسپولیس به او طی نامه‌ها و قراردادهای رسمی از سوی عباس انصاری‌فرد و حسن غفوری‌فرد رییس وقت سازمان تربیت‌بدنی، صاحب حق است. در این زمان انصاری‌فرد و غفوری‌فرد تاکید کردند، هیچ‌گاه چنین قصدی نداشتند. این پرونده به‌راحتی قابل حل بود، واگذاری اموال دولتی مستلزم تشریفاتی خاص است که مصوبه دولت یکی از آنهاست. چنین تشریفات و مصوبه‌ای در عمل وجود نداشت و از این رو کل معامله غلط و آن اسناد بی‌اعتبار بودند اما مشکل آنجا بود که قرار نبود در این پرونده علیه دکتر حسن غفوری‌فرد، رییس وقت سازمان تربیت‌بدنی طرح دعوا شود. در نهایت وکلای باشگاه یک روزنه حقوقی دیگر پیدا کردند. این روزنه کنوانسیون پاریس بود که ایران هم رسما عضو آن است. ادعای اسماعیل وفایی بر این اصل استوار بود که حتی اگر واگذاری نادرست بوده است، اولین شرکت ثبت‌شده به نام پرسپولیس متعلق به خود او بوده است. در بخشی از کنوانسیون پاریس به عنوان سندی پایه، آمده است: «کشورهای متعهد باید از اسامی تجاری بدون اینکه الزام به تسلیم اظهارنامه یا ثبت آنها باشد، حمایت به عمل‌آورند.» پس اگر کسی بتواند ثابت کند پیش از ثبت اختراع، برند، نشان و... صاحب آن بوده، بر اساس این کنوانسیون که به امضای ایران نیز رسیده، مورد حمایت است. به این ترتیب باشگاه پرسپولیس فقط باید ثابت می‌کرد باشگاه پرسپولیس پیش از ثبت شرکت در سال ۱۳۷۰ وجود خارجی داشته، که البته چنین هم شد. به این ترتیب بود که دادگاه رای به بازگرداندن برند پرسپولیس به وزارت ورزش (سازمان تربیت‌بدنی سابق) داد. هنگامی که پرونده در دادگاه تجدیدنظر جریان داشت، مدیریت باشگاه پرسپولیس تغییر کرد و حکم نهایی در زمان محمد رویانیان و در اسفند ۹۰ صادر شد تا غائله‌ای که راه افتاده بود، پایان یابد اما این پایان ماجرا نبود، هنوز یک‌سال از پایان آن ماجرا نمی‌گذرد که باز هم داستان دیگری در حال شکل‌گیری است و این‌بار هم صحبت از خصوصی‌سازی باشگاه پرسپولیس است.

عدم ثبت «پرسپولیس» تاکنون

خون دل‌های بسیاری خورده شده تا برند «پرسپولیس» به پرسپولیسی‌ها و مردم واگذار شود. برند «پرسپولیس» یا به عبارت دیگر مالکیت معنوی آن اکنون از مدعیان قبلی باز پس گرفته شده است اما باشگاه پرسپولیس هنوز به طور رسمی «پیروزی» است. محمد رویانیان پس از حضور در پرسپولیس نام پیروزی را حذف کرد و نشان باشگاه را به پرسپولیس تغییر داد. اما اکنون اگر به ثبت شرکت‌ها مراجعه کنید، تیم پرسپولیس با نام شرکت پیروزی (پرسپولیس) شناخته می‌شود، چرا که نام باشگاه و نشان آن هنوز به ثبت نرسیده است، در حالی که برند و لوگو ثبت نشده «پرسپولیس» مورد بهره‌برداری بسیاری از طریق شرکت‌های اقماری تشکیل شده از سوی افراد منتسب به محمد رویانیان، در زیرمجموعه باشگاه پرسپولیس است. درآمدهای حاصله نوعی استفاده از نام پرسپولیس است.

پرسپولیس و استقلال در هر صورت با طی یک روند شفاف، سالم و رقابتی باید به اشخاص حقیقی یا حقوقی واگذار شوند، با توجه به نزدیک شدن به اواخر دولت دهم، نوعی تعجیل در واگذاری باشگاه پرسپولیس و تا حدی استقلال مشاهده می‌شود که جای شک و شبهه بسیاری دارد. نگرانی اصلی نوع، زمان انتقال یا واگذاری به نهادهای شبه‌خصوصی و شبه‌دولتی یا واگذاری غیررقابتی در دقیقه ۹۰ است

مورد عجیب شرکت پیشکسوتان پرسپولیس

جالب اینکه ثبت رسمی نام پرسپولیس برای خود باشگاه در حالی انجام نگرفته است که مقام‌های شرکت پیشکسوتان پرسپولیس (حامی پیشکسوتان) خبر از ثبت رسمی این شرکت با نام پرسپولیس می‌دهند! حال جای این سوال مطرح است که مجوز استفاده از نام پرسپولیس از چه کانالی به این شرکت داده شده است. حساسیت روی این موضوع زمانی بیشتر می‌شود که بدانیم خلاف آنچه تصور می‌شود این شرکت متعلق به باشگاه پرسپولیس نیست بلکه یک شرکت خصوصی تلقی می‌شود. شرکتی که هر چند پیشکسوتان ظاهرا سهامدار آن هستند اما معلوم نیست چه درصدی از سهام شرکت به آنها تعلق دارد. وضعیت این شرکت هنوز شفاف نیست و به نظر سهام اصلی آن در اختیار چند فرد محدود مانند سعید شیرینی (رییس هیات‌مدیره) و حمید استیلی (مدیرعامل) و دیگران باشد. مسوولان شرکت پیشکسوتان از اطلاع‌رسانی دقیق در مورد این شرکت مانند اساسنامه و... خودداری می‌کنند. آنچه مسلم است اینکه درباره شرکت خصوصی‌ای صحبت می‌کنیم که قرار است نام «پرسپولیس» را یدک بکشد. گفته شده مجوز استفاده از این نام با تصویب سه عضو هیات‌مدیره باشگاه بوده است و البته باید بدانیم از میان نفرات فعلی هیات‌مدیره محمد رویانیان، علی پروین و محمدحسین نژادفلاح هستند که ثبت رسمی شده‌اند و به گفته نژادفلاح او چنین نامه‌ای را امضا نکرده است. شنیده‌ها حکایت از آن دارد که امضای سوم متعلق به مهدی تاج است؛ عضوی که البته هیچ وقت در روزنامه رسمی ثبت‌نام او را به عنوان عضو هیات‌مدیره ندیده‌ایم و بعدها به سازمان لیگ فوتبال نقل مکان کرد و از هیات‌مدیره پرسپولیس استعفا داد. از سوی دیگر با توجه به قوانین و قواعد ناظر به اقدامات شرکت‌های دولتی به نظر نمی‌رسد هیات‌مدیره باشگاه پیروزی صلاحیت واگذاری دایم استفاده از برند «پرسپولیس» به غیر را به عنوان اموال عمومی داشته باشد. چنین واگذاری‌هایی اگر مشمول مصوبات هیات دولت نشود، می‌تواند در چارچوب طرح‌ها و پروژه‌هایی قرار گیرد و چون ارزش تجاری و معنوی آن به میلیاردها تومان می‌رسد، حداقل باید در شورای اقتصاد مطرح شود. غیر از این موارد باز این بحث مطرح است که هیات‌مدیره باشگاه پیروزی، نمی‌تواند درباره برند پرسپولیس تصمیم‌بگیرد.

حساسیت روی این موضوع به همین جا ختم نمی‌شود. شرکت پیشکسوتان پرسپولیس در حال حاضر می‌تواند امتیازهای مختلفی را برای کسب درآمد به دست آورد. آنچه اهمیت دارد این است که این شرکت باید وضعیت شفاف‌تری داشته باشد. به ویژه که قرار است طبق طرح رویانیان این شرکت بخشی از سهام پرسپولیس را در جریان خصوصی‌سازی باشگاه خریداری کند. البته این شرکت بخشی از پروژه است. قرار است شرکت هواداران هم از دل کانون هواداران باشگاه بیرون بیاید و آنها نیز بخشی از سهام را در اختیار بگیرند و آن زمان مهم است که هواداران چه میزان از سهام این شرکت را در اختیار داشته باشند و نوع سهم‌بندی آن به چه شکلی انجام گیرد؟

اسپانسرینگ با طعم مالکیت

با شروع فصل جدید فوتبال شرکتی به نام صدرا سیستم پاسارگاد (SIS) اسپانسر دو باشگاه پرطرفدار پایتخت، استقلال و پرسپولیس شد. شرکتی که در سال ۸۷ تاسیس شده اما چند ماه است که حضور جدی در صحنه فوتبال پیدا کرده و جالب اینکه با تغییر نشان خود، بخش مهمی از نشان باشگاه پرسپولیس را به کار برده است. شرکت SIS شرکتی هلدینگ است و این مساله ناخودآگاه ما را به یاد همان شرکت پرسپولیس می‌اندازد که در سال ۷۰ تاسیس شد و سال‌ها بعد مدعی مالکیت پرسپولیس بود. گفته می‌شود این شرکت قصد دارد بخشی مهمی از سهام پرسپولیس و استقلال را خریداری کند و شاید در حال حاضر مشغول جمع کردن سرمایه‌های خود باشد.

با توجه به نوع فعالیت این شرکت در فصل جاری، رابطه این شرکت با باشگاه‌های پرسپولیس و استقلال در قالب همکاری اسپانسرشیپ یا پارتنرشیپ نمی‌گنجد. در این دو حالت، درآمدزایی اسپانسرها و شرکای اقتصادی با استفاده از پتانسیل‌های ورزشی باشگاه‌ها و برندینگ ورزشی آن انجام می‌شود نه بدان معنا که با استفاده (بخوانید سوءاستفاده) از برند درآمدزایی غیرورزشی داشت. یک نمونه از این موارد اعطای مجوز واردات خودرو با ارز دولتی و فروش آن با ارز آزاد است و تنها قسمت کمی از این سود سرشار، وارد گردش مالی باشگاه پرسپولیس شده است. آنچه به نظر می‌رسد این است که هیچ‌گونه ثبت و ضبط شفاف و مشخصی از عملیات فوق در باشگاه پرسپولیس، وجود نداشته باشد. در موارد بسیاری باشگاه پرسپولیس محل تامین مالی باشگاه را تحت عبارت «فعالیت‌های تجاری و اقتصادی» اعلام می‌کند که این فعالیت‌ها هیچ‌گونه سنخیتی با درآمدزایی‌های معمول باشگاه‌های فوتبال در دنیا ندارد. به‌عنوان نمونه خبری در سایت رسمی باشگاه پرسپولیس منتشر شد که مدیرعامل این باشگاه مژده انعقاد قرارداد با یک شرکت خارجی تولیدکننده ورق‌های گالوانیزه را داده است: «محمد رویانیان که به منظور عقد قراردادهای اقتصادی و ورزشی به امارات سفر کرده است ظهر امروز با یک شرکت بین‌المللی تولید ورق‌های گالوانیزه و آلومینیومی در خاورمیانه قرارداد بست. براساس قرارداد منعقد شده این شرکت بین‌المللی که ورق‌های گالوانیزه و آلومینیومی در رنگ‌های مختلف را تولید می‌کند نمایندگی انحصاری خود را در ایران دایر خواهد کرد و سود فروش ناشی از محصولات این شرکت بین‌المللی عاید باشگاه فرهنگی، ورزشی پرسپولیس خواهد شد. محصولات این شرکت در اتومبیل‌سازی، مسکن، کارخانجات صنعتی و... کاربرد داشته و به زودی نمایندگی انحصاری آن در ایران دایر خواهد شد.»مشابه این مجوز نیز به شرکت راه و پل دیانا نمایندگی اوپل در ایران که در فصل گذشته تبلیغات آن روی پیراهن پرسپولیس درج شده بود، اعطا شده است. در این میان اما نام سعید شیرینی؛ معاون اجرایی باشگاه پرسپولیس، سرپرست تیم فوتبال پرسپولیس و رییس هیات‌مدیره شرکت پیشکسوتان پرسپولیس به عنوان نایب‌رییس هیات‌مدیره شرکت صدرا سیستم پاسارگاد پس از مسعود رهبر رییس هیات‌مدیره قرار دارد.(روزنامه رسمی کشور مورخ ۱۳۹۱/۷/۱۳). سعید شیرینی که بیشتر به عنوان سرپرست تیم فوتبال پرسپولیس شهرت دارد، نایب‌رییس هیات‌مدیره شرکتی است که همزمان حق امتیاز برند باشگاه استقلال را نیز داراست. جالب اینکه او در شرکت پیشکسوتان پرسپولیس حضور دارد و قرار است هر دو شرکت جزو اولین دریافت‌کنندگان سهام پرسپولیس باشند. محمدرضا گرامی (مدیرعامل شرکت آسان موتور نمایندگی خودرو هیوندای در ایران و شرکت گلستان تولیدکننده چای و محصولات غذایی) دیگر عضو هیات‌مدیره و عبدالله تفرشی (از دوستان محمد رویانیان) نیز مدیرعامل این شرکت است. مسعود رهبر سابقه فعالیت در زمینه اسقاط و بازیافت خودرو که در ارتباط با ستاد مدیریت و حمل‌ونقل و سوخت است، دارد.

تعجیل در واگذاری به بخش خصوصی

پرسپولیس و استقلال در هر صورت با طی یک روند شفاف، سالم و رقابتی باید به اشخاص حقیقی یا حقوقی واگذار شوند، با توجه به نزدیک شدن به اواخر دولت دهم، نوعی تعجیل در واگذاری باشگاه پرسپولیس و تا حدی استقلال مشاهده می‌شود که جای شک و شبهه بسیاری دارد. نگرانی اصلی نوع، زمان انتقال یا واگذاری به نهادهای شبه‌خصوصی و شبه‌دولتی یا واگذاری غیررقابتی در دقیقه ۹۰ است. یکی از شرایط پذیرفته شدن شرکت‌ها در بورس یا فرابورس، داشتن صورت‌های مالی شفاف است که حاوی تمامی عملیات‌های مالی گذشته، جاری و حتی آتی آن مجموعه باشد. در صورتی که این مهم حداقل در باشگاه پرسپولیس به هیچ‌وجه اتفاق نیفتاده است. به عنوان نمونه با توجه به اطلاعات به‌دست آمده، پس از گذشت نزدیک به یک فصل از قطع ارتباط باشگاه با سرمربی اسبق خود مصطفی دنیزلی، هنوز قرارداد وی رونمایی نشده است، چه برسد به چگونگی قرارداد، جزییات و پرداخت‌های مرتبط با آن و همین‌طور این عدم شفافیت در قرارداد ژوزه و برخی از بازیکنان فعلی نیز وجود دارد.

یادداشت

مخاطرات واگذاری استقلال و پرسپولیس

شاهین شایان‌آرانی*

این چندمین بار است که واگذاری دو باشگاه بزرگ استقلال و پرسپولیس از طریق فرابورس مطرح می‌شود. عرضه سهام شرکت‌ها از طریق فرابورس نسبت به بورس منعطف‌تر است با این حال عرضه سهام از طریق فرابورس هم قوانین و مقرراتی دارد که تا پیش از عرضه باید طی شوند.

تمامی واگذاری‌ها باید در قالب شرکت و سهامی عام انجام شود. شرکت‌ها باید صورت‌های مالی خود را به تایید حسابرس‌های مورد تایید سازمان بورس برسانند. علاوه بر این ساختار مدیریتی و مالی این شرکت‌ها باید کاملا شفاف و روشن باشد. تمامی این اطلاعات در شرایطی به دست می‌آید که حداقل سه‌سال از عملکرد شرکت‌ها گذشته باشد اما دو باشگاه پرسپولیس و استقلال به این دلیل که در قالب شرکت فعالیت نکرده‌اند، عملکردشان با ابهام همراه است. یعنی مشخص نیست که ساختار مالی این دو باشگاه چگونه است. حتی مشخص نیست که این باشگاه‌ها زیان‌ده هستند یا سودده. هزینه و درآمد این دو باشگاه از نکات دیگری است که بر ابهام هر چه بیشتر موضوع می‌افزاید. ساختار مدیریتی باشگاه‌های استقلال و پرسپولیس هم با اما و اگرهای بسیاری همراه است به‌طوری که نمی‌توان به این نکته پی برد که هر یک از مدیران این دو باشگاه قادر هستند به تعهدات خود عمل کنند و سود وعده داده شده به سهامداران خود را تحقق بخشند.

در چنین فضایی که همه چیز در ابهام است و کوچک‌ترین اطلاعاتی در مورد این دو باشگاه منتشر نشده است واگذاری سهام باشگاه‌های استقلال و پرسپولیس نه تنها به صلاح خریداران سهام نیست بلکه اقدامی بس خطرناک هم به حساب می‌آید. زیرا امکان دارد عدم شفافیت در صورت‌های مالی این باشگاه‌ها موجب شود خریداران، سهام این دو باشگاه را در مرحله اول گران‌تر بخرند و زمانی که عملکرد مالی آنها منتشر شد تازه متوجه شوند، ارزش واقعی سهام آنها بسیار کم‌تر از آن چیزی است که پیشتر خریداری کرده‌اند.

از این‌رو باید این امکان وجود داشته باشد تا خریداران سهام، ذهنیت شفافی از این باشگاه‌ها چه در بخش مالی و چه در بخش مدیریتی داشته باشند تا بتوانند با آگاهی بیشتری در مورد خرید سهام این دو باشگاه بزرگ تصمیم‌گیری کنند؛ ضمن اینکه ورود این باشگاه‌ها به فرابورس و عرضه سهامشان از طریق این بازار می‌تواند موجب افزایش سرمایه و تقویت بنیه مالی و سرمایه‌ای باشگاه‌های استقلال و پرسپولیس شود.

*** کارشناس بازار سرمایه**

نگاه

واگذاری ناشفاف «سرخابی‌ها»

سعید فائقی*

واگذاری دو ورزشگاه به دو باشگاه پایتخت خبر از اصلاح ساختار باشگاه‌های استقلال و پرسپولیس داشت و به‌نظر می‌رسد دست‌اندرکاران خصوصی‌سازی برای واگذاری این دو باشگاه مطابق قانون مربوطه اول به فکر افتاده‌اند که ساختار مالکیتی دو باشگاه را سامان دهند و بعد آنها را از طریق فرابورس عرضه کنند. یکی از مقامات ارشد سازمان خصوصی‌سازی هم اذعان کردند که خریداران مراجعه کرده‌اند ولی آنها درصددند باشگاه‌ها را به اهلش واگذار کنند اما هرچه زمان سپری می‌شود بر ابهامات واگذاری افزوده می‌شود چراکه هنوز مساله اصلی این دو باشگاه یعنی قیمت دارایی نامشهود و برند آنها معین نشده است. هنوز در حوزه مالکیت و حقوق معنوی این قبیل نهادها با مشکل مواجه هستیم و هنوز قانون باشگاه‌های حرفه‌ای به تصویب نرسیده است و مدت‌ها از تصویب یک فوریت طرح ساماندهی باشگاه‌ها در مجلس می‌گذرد و مسلما تا پایان سال هم نوبت به صحن علنی آمدن آن لایحه نخواهد رسید. هنوز بازاری برای سرمایه ورزش وجود ندارد که بتوان با ارزیابی باشگاه‌ها در بازار سرمایه ورزش و یا بخشی از بازار سرمایه موجود قیمت‌گذاری کرد. عرضه این باشگاه‌ها در فرابورس نمی‌تواند و نخواهد توانست موجبات شفافیت قیمت باشگاه‌ها را فراهم آورد. خصوصی‌سازی در باشگاه‌ها مستلزم وجود نهادهای مدنی ورزشی است که متاسفانه در این راستا اقدامات لازم صورت نگرفته است. شاید ما کانون هواداران داشته باشیم، شاید تشکل‌هایی برای پیشکسوتان داشته باشیم اما هیچ‌کدام از آنها در عرصه اقتصاد نه‌تنها فعال نبوده‌اند بلکه ورود نکرده‌اند و از سازوکار اقتصاد و بازار کم اطلاع و بی‌اطلاع هستند. برای واگذاری باشگاه‌ها به اهل آنها، نیاز مبرم به وجود نهادها و کانون‌های مدنی- اقتصادی در حوزه باشگاه‌داری است که ما فاقد آن هستیم. هنوز ما باشگاه‌ها را به‌عنوان حوزه کسب‌وکار نگاه نمی‌کنیم بلکه آنها را نهادهایی فرهنگی قلمداد می‌کنیم. گرچه سال‌هاست در باشگاه‌ها قراردادها بین بازیکنان و مربیان و دست‌اندرکاران ردوبدل می‌شود ولی چون از تعریف مناسب کسب‌وکار برخوردار نبوده، نتوانسته منجر به حاکمیت قانون شود. چون اصل است که مبادله قرارداد موجبات حاکمیت قانون را فراهم می‌کند اما متاسفانه در این خصوص هم از عدم شفافیت برخوردار بوده‌ایم. اگر سقف قراردادها را در نظر بگیریم بازیکنان یک قیمت دارند و اگر توافقات اصلی بین بازیکنان و مدیران را در نظر بگیریم، قیمت بازیکنان تا چند برابر افزایش پیدا می‌کند و مرجعی هم نداریم که بتواند برای بازیکنان ارزش‌گذاری کند، بنابراین در هر حال نخواهیم توانست دارایی‌های نامشهودمان را به‌خوبی ارزیابی کنیم. نوسان نرخ ارز هم بر ابهامات می‌افزاید این دو باشگاه هم بازیکن خارجی دارند و هم بازیکن ترانسفر می‌کنند. با این نوسانات نرخ ارز، چگونه می‌توانیم رقم شفافی از هزینه‌هایمان داشته باشیم. باشگاه تنها با اقتصاد داخلی سروکار ندارد بلکه با سازوکارهای بین‌المللی مدام در تماس است، به‌خصوص این دو باشگاه که عموما نمایندگی ما را در باشگاه‌های آسیا یدک می‌کشند. شاید بتوانیم دارایی‌های ثابت و فیزیکی باشگاه‌ها را ارزیابی کنیم و از آنجایی‌که از دارایی ثابت کمتری برخوردارند این امر به سهولت امکانپذیر است اما در ارتباط با دارایی‌های متغیر و حقوق معنوی و دارایی نامشهود دست‌مان تنگ است. فرهنگ اقتصاد ما فرهنگ بازرگانی و سوداگری و معامله‌گری بوده است که در این سال‌ها با پاگذاشتن به سوی فوتبال حرفه‌ای شاهد بوده‌ایم که چگونه سوداگری به سرعت رشد داشت. بسیار باید دقت کنیم که در واگذاری این دو باشگاه به این حیطه کشانده نشویم. درآمد سرانه پایین اجازه نداده است که در سبد خانوار هزینه‌ای برای ورزش و به‌خصوص ورزش حرفه‌ای داشته باشیم. هواداران پروپاقرص باشگاه‌های پرطرفدار ما پول تو جیبی خود را هزینه می‌کنند تا به تماشای مسابقات باشگاه خود بروند و پیشکسوتان ما هم از امکان مالی بالایی برخوردار نیستند که بتوانند سهام باشگاه مورد علاقه خود را ابتیاع کنند، بنابراین این نگرانی وجود دارد که اهل باشگاه‌ها نتوانند صاحب سهام باشگاه‌ها شوند و نهادهای مدنی- اقتصادی هم وجود ندارد که بتوان از طریق آنها این امر را سروسامان داد.

در حوزه فوتبال و باشگاه‌ها، کانون‌ها و نهادهای سرمایه‌گذار هم وجود ندارد. صاحبان اماکن ورزشی هم به‌قدری اقتصادشان کوچک است که می‌توانند چند سهمی از باشگاه‌ها را بخرند، تعداد انگشت‌شماری صاحب سرمایه هم که در حوزه باشگاه‌ها سرمایه‌گذاری کرده‌اند به دلیل شفاف نبودن اقتصاد حوزه فوتبال و همچنین نارسایی محیط قانونی، نتوانسته‌اند به اهداف اقتصادی خود نایل شوند. خوشبختانه شکل‌گیری باشگاه در کشور خصوصی بوده است، باشگاه‌های شاهین، پرسپولیس، تهران جوان، پیکان، آرارات و... گرچه حرفه‌ای نبوده‌اند اما از سازوکار خصوصی برخوردار بوده‌اند که بسیار مایه امیدواری است و باز خوشبختانه در چند سال اخیر صنایع خصوصی مثل فولاد ماهان، داماش، کاله، مهران، شن‌سا و... در حوزه فوتبال، والیبال، فوتسال و بسکتبال ورود کرده‌اند که اگر بتوانیم حمایت‌های قانونی از آنها را به عمل بیاوریم می‌توانند در شکل‌گیری بازار سرمایه ورزش و ایجاد نهادهای سرمایه‌گذاری ورزشی مثمر ثمر باشند. یادمان نرود که شن‌سا فوتبال شهر ساوه را جهانی کرد و توانست عنوان جهانی برای فوتسال کشور کسب کند که متاسفانه نتوانستیم حمایت قانونی از ایشان به عمل آوریم. خدا را شکر که پتانسیل توسعه کسب‌وکار ورزشی به‌صورت خصوصی وجود دارد و می‌توان با برنامه‌ریزی و هدایت و حمایت و مدیریت صحیح از این فرصت استفاده کرد. نگرانم که با ناکارآمدی، فرصت‌سوزی کنیم و فرصت‌ها را به تهدید تبدیل کنیم. به اندازه کافی فرصت‌ها را از دست داده‌ایم. ان‌شاءالله هر چه سریع‌تر قانون سازماندهی باشگاه‌ها را به تصویر برسانیم، تعریف شفافی از حوزه کسب‌وکار فوتبال ارایه کنیم، بازار سرمایه برای ورزش طراحی کنیم، بورس ورزشی را ایجاد کنیم، ساختار باشگاه‌ها را اصلاح کنیم حقوق و مالکیت معنوی در حوزه باشگاه‌داری را تعریف کنیم. حال که بانک‌ها این همه توسعه پیدا کرده‌اند، یک بانک برای ورزش حرفه‌ای ایجاد کنیم، اجازه دهیم نهادهای مدنی- اقتصادی در حوزه باشگاه‌داری، پیشکسوتان، حامیان و هواداران فوتبال شکل بگیرد و آگاه با خیال راحت نسبت به واگذاری باشگاه‌ها اقدام کنیم، چرا که هنوز ابزار و سازوکار خصوصی‌سازی در باشگاه‌ها فراهم نیست.

***معاون اسبق سازمان تربیت‌بدنی**